

# چالش‌های نظام بانکی کشور

حسین محسنی



چالش‌ها و موانع توسعه نظام بانکی کشور به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: یک دسته عواملی که خارج از سیستم بانکی قرار می‌گیرند و ناشی از ساختار غیر مولد اقتصاد ایران هستند که به دلیل سوددهی بالای بخش‌های غیر مولد، تمام سرمایه‌ها به این بخش‌ها جذب شده و نظام بانکی با چالشی در این زمینه روبه‌رو می‌گردد؛ دسته دیگر، مشکلات ساختاری بانک‌ها و سیستم اجرایی و عملکرد آنها در زمینه‌های مختلف است.

## بنگاهی عمل کردن

بانک‌ها در گردش پولی کشور نقش بسیار مهمی دارند. متأسفانه بزرگترین چالش موجود در نظام بانکی ایران، بنگاهی عمل کردن بانک‌های کشورمان است که موجب شده بانک‌ها کمتر به وظایف بانکداری خود توجه کنند. طی سال‌های اخیر، بانک‌ها واسطه‌ خوبی بین مردم و سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی نبوده‌اند و به ویژه، بخش خصوصی با صرف زمان و گذراندن مشکلات عدیده، موفق به دریافت تسهیلات بانکی شده است. در حقیقت، وجود بوروکراسی گسترده و بانک محوری، عرصه را بر بخش خصوصی تنگ کرده و به موازات آن، مشتری مداری در سیستم بانکی کمرنگ شده است. حتی بانک‌ها در سال‌های اخیر، به عنوان یک سرمایه‌گذار در فعالیت‌های اقتصادی، سهم قابل توجهی داشته‌اند که این وضعیت، عملاً فرصت‌ها را از بخش‌های تعاونی و خصوصی گرفته است. همین مسأله یک چالش و مشکل عمده نظام بانکی ایران تلقی می‌شود؛ بدتر آن که بانک‌ها همچنان اصرار دارند که این روند نامطلوب ادامه یابد. بخش اعظم وام‌های اعطایی بانک‌ها در اختیار بخش تولید قرار نگرفته و عمدتاً در جریان معاملات واسطه‌ای و دلالی و جریان خرید و فروش کالاها و خدمات به کار رفته است. بدیهی است که این امر باعث افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات و در نهایت، موجب افزایش تورم شده است. بدین ترتیب، تسهیلات اعطایی بانک‌ها بیشتر در جریان خرید کالا قرار گرفته و لذا اثرات تورمی در اقتصاد داشته که این امر ناشی از اعطای وام به بخش غیر مولد بوده است. این امر ضرورت اصلاح نحوه وام‌دهی بانک‌های کشور را نمایان می‌سازد.

## تلفیق دو نقش

یکی از مشکلات فعلی نظام بانکی، تلفیق دو نقش کاملاً

وجود بوروکراسی گسترده و بانک محوری، عرصه را بر بخش خصوصی تنگ کرده و به موازات آن، مشتری مداری در سیستم بانکی کمرنگ شده است.

متفاوت بانکداری تجاری و بانکداری سرمایه‌گذاری در فعالیت بانک‌ها است. تبیین دقیق نقش بانک‌های تجاری می‌تواند به کارایی آنان بیفزاید و مسیر آنها را مشخص نماید. همچنین مشخص نمودن وظیفه بانک‌های سرمایه‌گذاری در شاکله اسلامی و متناسب با نیازهای توسعه‌ای کشور، از ضرورت‌های حل مشکل مذکور است.

## تصحیح تفکر

گسترش سطح دانش کارشناسان بانکداری و تصحیح تفکر آنان از ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری غرب به سوی نظام بانکداری اسلامی نیز حایز اهمیت است. به عنوان نمونه، در مورد نرخ بهره بانکی بسیار صحبت شده است، در حالیکه در اسلام "سود" ناشی از فعالیت در تولید کالا و ارائه خدمات ناشی از یک کسب و کار تحت عنوان مشارکت در سود و زیان (Profit and Loss Sharing) و یا "کارمزد" (Service Charge) ناشی از ارائه خدمات به مشتریان وجود دارد. مهم آنکه در اسلام "بهره" (به معنی پاداش به

قرض دهنده و یا هزینه پول) وجود ندارد.

مورد دیگری که محتاج اصلاح طرز تفکر است، کاربرد کلمه وام است. در نظام بانکداری رایج ربوی، سه نوع وام مصرفی (Consumer Loan)، وام سرمایه گذاری (Investment Loan) و وام تجاری (Commercial Loan) وجود دارد. این در حالی است که در شریعت مبین اسلام، تنها یک نوع وام و آن هم وام نیکو یا قرض الحسنه وجود دارد. لازم به توضیح است که براساس قانون بانکداری بدون ربا نیز هیچ گونه قرضی وجود ندارد مگر قرض الحسنه که سپرده گذار پولی را بدون دریافت هرگونه سود در اختیار بانک قرار می دهد تا به نیازمندان و بیماران اعطا شود و یا در امر کمک به ازدواج بکار گرفته شود و باقی در شکل شراکت و عقود تحت عنوان تسهیلات (Facilities) به مشتریان حسب نوع فعالیت یا نیاز موجود به منظور تولید و ارائه خدمت حسب نوع کسب و کار ارائه می شود، و این در حالی است که در فرهنگ رایج در سطح عمومی و حتی توسط بسیاری از دانشگاهیان، واژه "وام" مورد استفاده قرار می گیرد. در زمینه اجرای عقود اسلامی منطبق بر بانکداری اسلامی نیز نکات بسیاری شایسته توجه است. به عنوان نمونه، در اجرای عقود اسلامی همچون مضاربه، علاوه بر اخذ تأمین های مالی و وثایق سنگین از دریافت کنندگان تسهیلات به منظور صادرات که خود نقش اساسی در بهبود وضع موجود و توسعه کشور دارد، علی رغم اینکه در اسلام به صراحت عدم مسؤولیت مضارب (امین) در قبال زیان ناشی از مضاربه، مگر سهل انگاری و قصوری که منجر به زیان شود، عنوان شده است، بانک های موجود به شکل طلبکاران غربی عمل نموده و علاوه بر انتظار دریافت نرخ سود بالا، در صورت زیان، به طور جدی امین را مورد تعقیب کیفری و حقوقی قرار می دهند که با شریعت اسلام در اجرای عقود اسلامی همچون مضاربه (که از زمان پیامبر اعظم (ص) تبیین شده بود) و هم چنین با رأفت اسلامی موجود در متون اسلامی در خصوص امین کاملاً مغایر است.

### اهمیت نیت در فرهنگ اسلامی

در اسلام، نیت از اهمیت بالایی برخوردار است، به گونه ای که شرط پذیرش یک عمل، حسن فاعلی و حسن فعلی است. اصلاح نیت و افزایش فرهنگ مردم در خصوص علت سپرده گذاری در بانک ها به عنوان قرض الحسنه پس انداز در هنگام تبلیغات فراگیر در خصوص جوایز اینگونه حساب ها بسیار شایسته توجه است، چرا که در غیر این صورت، سپرده گذاری در اینگونه حساب ها ماهیت بخت آزمایی (Lottery Ticket) به خود می گیرد و جامعه اسلامی را آکنده از مقاصد ربوی می سازد.

در کنار این مطلب، بانک مرکزی هم از منابع قرض الحسنه که بدون چشم داشت نزد بانک ها به امانت گذاشته شده، سپرده قانونی دریافت می کند و از منابع بانک ها برای وام دهی در امور خیر مذکور می کاهد. این مسأله نیز با روح قرض الحسنه منافات دارد.

از سوی دیگر، با توجه به حق الوکاله بانک ها در مورد افتتاح حساب که مطابق با قانون بانکداری بدون ربا است، بانک وکیل سپرده گذار می باشد، اما در ترازنامه بانک ها برخلاف اصول حسابداری، این ارقام به صورت بدهی نشان داده می شوند و لذا وکیل (بانک) تاوان دهنده ضرر موکل (سپرده گذار) است. این در حالی است که در بانکداری اسلامی موجود در کشورهای هم چون مالزی، پاکستان و ... چنین موضوعی دیده نمی شود، بلکه مشتریان در سود و زیان مطابق با شریعت اسلام شریک هستند و بانک به عنوان یک وکیل عمل می کند. همچنین برای تضمین اصل سرمایه مشتریان، یک شرکت بیمه تحت عنوان تکفل سپرده، سپرده های مشتریان نزد بانک را بیمه می کند که این امر مانع از زیان سرمایه ای سپرده گذار می شود.

البته تصریح این مطلب هم خارج از موضوع نیست که در هنگام افتتاح حساب سپرده توسط سرمایه گذار، نوع فعالیت و زمینه ای که پول سرمایه گذار در آن به مصرف خواهد رسید، توسط سپرده گذار تعیین می شود و حسب نوع آن فعالیت خاص و پروژه سرمایه گذاری مورد نظر به سپرده گذار سود پرداخت می شود. بنابراین، باید در بازنگری های قانون، آیین رفتار نیز داشته باشیم تا بدین طریق، مشخص شود که تخلف چیست و در چه جایگاهی با آن برخورد خواهد شد.

### جریمه تأخیر تأدیه

از دیگر عملکردهای نادرست نظام بانکداری فعلی این



بزرگترین چالش موجود در نظام بانکی ایران، بنگاهی عمل کردن بانک های کشور است که موجب شده بانک ها کمتر به وظایف بانکداری خود توجه کنند.

## در سال‌های اخیر بانک‌ها واسطه خوبی بین مردم و سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی نبوده‌اند.

سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری) استفاده می‌کنند. بنابراین، الگوی کنونی راهکار و چاره‌ای را برای تنوع بخشیدن به تجهیز منابع بانکی از محل سپرده‌پذیری مردمی ارایه نمی‌کند و انگیزه‌های فرد سپرده‌گذار بسته به اینکه نیت معنوی داشته باشد، تحت عنوان قرض‌الحسنه و یا در قالب دریافت حداقل سود فارغ از درجه‌گذاری قدرت ریسک اقتصادی افراد، تحت عنوان سپرده سرمایه‌گذاری انجام می‌شود.

از سوی دیگر، فرآیند تخصیص منابع و اعطای تسهیلات بانکی، از الگوی واحد در تمام بانک‌ها پیروی می‌کند و اعطای تسهیلات به چهار شکل (قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم) انجام می‌پذیرد که عقود مبادله‌ای شامل قراردادهای و تسهیلات فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین و جعاله می‌شود و عقود مشارکتی هم قراردادهای و تسهیلات مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات را در برمی‌گیرد. چند اشکال بر این فرآیند تخصیص وارد است:

یک اشکال این است که افراد به علت نیازهای متفاوت به تسهیلات برای جبران کمبود سرمایه خود و متناسب با توان بازپرداخت تسهیلات دریافتی، اقدام به دریافت منابع بانکی می‌کنند و ممکن است که در این فرآیند جهت‌گیری تخصیص منابع از اهداف اولیه مقرر خارج شده و یا اینکه به دلیل آگاه نبودن برخی گیرندگان تسهیلات از مبانی حقوقی و قانونی

است که اگر مشتری دیرتر از موعد اقساط را پرداخت کند، از وی علاوه بر دریافت سود معوقه، مبلغی نیز به عنوان جریمه دریافت می‌شود، اما اگر مشتری بخواهد زودتر از موعد مقرر اقساط تسهیلاتش را بازپرداخت کند، باید همه سود و اصل پول را به بانک بپردازد و این مسأله بسیار عجیب است، چرا که فاقد توجیه شرعی و حتی قانونی است و با عنایت به عدم وجود مشارکت یا مبادله برای زمان‌هایی که سود دریافت می‌شود (به تعبیر بهتر، در زمانی که از پول استفاده نشده، ولی باید هزینه‌های آینده پول پرداخت شود، ذکر کلمه بهره به نظر مناسب‌تر می‌رسد) به گونه‌ای صریح و عینی ربوی بودن عملیات بانکداری در ایران را به شکلی ساده به اثبات می‌رساند.

### تجهیز و تخصیص منابع

از جمله ایرادهای دیگر که بر الگوی فعلی بانک‌های کشور وارد می‌شود، این است که بانک‌های کشور - اعم از اینکه تجاری باشند یا تخصصی و یا ترکیبی از این دو، یعنی بانک‌های جامع - شیوه‌های یکسان را برای تجهیز و تخصیص منابع خود در پیش می‌گیرند و اهداف و انگیزه‌های واقعی افرادی که در این بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند یا تسهیلات دریافت می‌دارند، مبهم است و قابل ارزیابی واقعی نخواهد بود. به عبارت دیگر، بانک‌ها براساس قانون فعلی برای تجهیز منابع خود از سه نوع سپرده (سپرده قرض‌الحسنه جاری،

پیچیده بودن الگوی کنونی تخصیص منابع بانکی، باعث ناآگاهی عمومی شهروندان شده و مشکلاتی را به دنبال دارد.





بخش اعظم وام‌های اعطایی بانک‌ها در اختیار بخش تولید قرار نگرفته و عمدتاً در جریان معاملات واسطه‌ای و دلالی بکار رفته است.



یک راهکار برای جلوگیری از معوقه شدن این مطالبات داشت. بدهکاران به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول خانواده‌ها یا سرمایه‌گذاران فعال اقتصادی هستند که به هر علتی ورشکسته و دچار تنگنای مالی شده‌اند و اصلاً توان پرداخت را ندارند که در فقه و حقوق مدنی راهکارهای مشخصی برای این افراد تعیین شده است. دسته دوم کسانی هستند که ورشکسته و ناتوان از پرداخت نیستند، بلکه برنامه اقتصادی آنها به تعویق افتاده و به دنبال فرصتی مناسب برای بازپرداخت بدهی خود هستند. دسته سوم کسانی هستند که متخلفند و تا جایی که می‌توانند بدهی خود را به بانک به تعویق می‌اندازند که نه مشکل اقتصادی و نه ناتوانی مالی دارند و از آنجا که پول ارزان قیمتی را در اختیار دارند و سود بالایی را به دست می‌آورند، انگیزه‌ای برای بازپرداخت ندارند.

بنابراین، باید تفکیکی در این سه دسته صورت گیرد و سپس اقدام به دریافت معوقه‌ها شود، اما شواهد حاکی از جبر بر دسته اول و دوم و سهل‌گیری بانک‌ها در دریافت دین دسته سوم یا دانه‌درشت‌ها است! البته در اجرای نظام بانکداری اسلامی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان، ارزیابی دقیق فعالیت‌ها توسط کارشناسان بانکی به عنوان وکیل و متخصصان ارزیابی‌های اقتصادی و مالی هم از نکات اساسی است.

بدیهی است که اولین قدم برای جلوگیری از مطالبات معوقه، منطقی کردن و واقعی کردن نرخ سودهای بانکی متناسب با عرضه و تقاضای بازار است. در نظام بانکی دنیا، نرخ سود سپرده همیشه پایین‌تر از نرخ‌های سود تسهیلات بانکی است و هیچ‌کس به قصد سپرده‌گذاری، از بانک تسهیلات دریافت نمی‌کند، ولی در کشور ما خلاف این قضیه است. نمود عینی آن هم دریافت تسهیلات ارزان از بانک‌های دولتی و سپرده‌گذاری آن‌ها در دیگر بانک‌ها، به ویژه در بانک‌های خصوصی است!

تسهیلات دریافتی، بازپرداخت تسهیلات به همراه کارمزد مربوطه را نوعی "رباخواری" نظام بانکی قلمداد کنند و به دلیل ضرورت و شدت نیاز، به ناچار از منابع بانک‌ها استفاده می‌کنند، در حالی که در فکر و عقیده خویش این اقدام را ناموجه می‌دانند.

دومین ایراد این است که پیچیده بودن الگوی کنونی تخصیص منابع بانکی، باعث ناآگاهی عمومی شهروندان شده و در شرایط موجود با توجه به دیوان سالاری حاکم و محدودیت در تخصیص منابع، آموزش دادن و آگاهی بخشیدن به مشتریان بانک‌ها را دشوار، طولانی و با هزینه زیاد همراه می‌سازد که کارآمدی نظام بانکی را زیر علامت سؤال می‌برد.

سوم اینکه، اجرای برخی از عقود بانکی، به ویژه عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات) در بانک‌های غیرتجاری به درستی انجام نمی‌شود و تن دادن مشتریان بانک‌ها به استفاده از این نوع تسهیلات بانکی، پیش از آنکه از روی آزادی و آگاهی انتخاب باشد، از روی الزام و تسلیم شدن در برابر تنها راه ممکن است. سرانجام اینکه، نظام حسابرسی و حسابداری بانکداری کنونی ترکیبی است از حسابداری بدهکار و بستانکار و حسابداری شرکت‌ها و این ابهام را به وجود می‌آورد که در حالی که تخصیص منابع بانکی رویه بنگاهداری اقتصادی رادر پیش می‌گیرد، اما تابع قانون تجارت نیست و مبهم بودن نظام حسابداری آنها و رویکرد تجاری بانک‌های غیرتجاری، باعث اختلال در نظام اقتصادی می‌شود.

### بحران مطالبات معوق

همچنین از جمله چالش‌های اساسی نظام بانکداری فعلی، موضوع مطالبات معوق است. در این رابطه باید ابتدا

**اولین قدم برای جلوگیری از معوقه شدن مطالبات بانکی، منطقی کردن واقعی کردن نرخ سودهای بانکی متناسب با عرضه و تقاضای بازار است.**